



«من از خدا بابت نعمت‌های بزرگش شکرگزاری می‌کنم؛ نعمتی مثل اینکه به من و خانواده‌ام کرامت کرد و یکی از اعضای خانواده‌ام را به عنوان «شهید» قبول در گاهش کرد و من و خانواده‌ام را در جمع مبارک و مقدس خانواده‌های شهدا پذیرفت. خانواده‌هایی که هنگامی که به دیدارشان می‌رفتم از پدر و مادر شهید خجالت می‌کشیدم و خجالت‌خواهم کشید. سیاس خدایی را که پذیرفت من و خانواده‌ام همدرد خانواده شهدا باشیم؛ نه فقط در شهادت فرزندان که علاوه بر آن، در به اسارت برده شدن پیکر فرزندان…» اینها بخشی از سخنرانی دبیرکل حزب‌الله لبنان، سیدحسن نصرالله بود که تنها ساعتی پس از دریافت خبر شهادت فرزندش سیدهادی بیان می‌شد. بعدها نصرالله در مصاحبه‌ای گفت: «هنگامی که برای اعلام خبر شهادت هادی پشت تریبون قرار گرفتم، با توجه به اینکه نور پرژکتورها دمای محیط را بالا برده بود و من نیز پشت عرق کرده بودم، خواستم با دستمالی که همراه داشتم عرق را از صورت پاک کنم ناگهان این نکته به ذهنم خطور کرد که ممکن است پاک کردن عرق از روی صورت‌م تغییر به گریه کردن و پاک کردن اشک‌هایم

یکی از اسناد ساواک گزارشی است که دوم مهر ۱۳۵۷ طی شماره ۳۰۲/۴۰۳۱۲ تنظیم یافته و سپهبد مقدّم، رئیس ساواک به طور سری تفصیل ملاقات خود را با شریعتمداری به شاه می‌دهد. این سند گوشه‌ای از جریانی را که از سال ۱۳۴۱ (هنگام انتشار تصویبنامه مربوط به انجمن‌های ایالتی و ولایتی و شروع مبارزه روحانیت) وجود داشته و همواره ام‌ام با کتابات و اشارات نگرانی خود را ابراز می‌داشت نشان می‌دهد. ماه به نقل از کیهان شماره ۱۱۵۶۰ مورخ ۴ اردیبهشت ۶۱ عین سند انتشار یافته را که خود نمایانگر یکی از جریان‌های پشت پرده انقلاب است می‌آوریم تا نقاط مهمی که در این رابطه وجود داشت برطرف شود. «در ملاقات نزدیک به ۴ ساعت‌ای که شب‌هنگام مورخ اول مهر ۱۳۵۷ (۲۵۳۷۷ شاهنشاهی) با آیت‌الله سیدکاظم شریعتمداری در قم و در منزل وی به عمل آمد، مضمناً از اوضاع ایران از نظر جغرافیایی و تهدیداتی که از جانب قدرت‌های خارجی اعم از شرق یا غرب نسبت به ایران وجود دارد و همچنین مسائل داخلی ایران و تحریکاتی که از جانب کمونیست‌ها یا عوامل خارجی دیگر می‌شود توضیحات مفصّلی داده شد. آیت‌الله شریعتمداری بسیار صمیمانه و گشاده‌روی در حالی که سیمای موفق رژیم ایران را داشت و خوشحالی خود را از این ملاقات پنهان نمی‌کرد، مطالبی اظهار کرد که نکات قابل توجه و برجسته اظهارات او ذیلاً به استحضار می‌رسد.

اظهار کرد:سلام مرا به پیشگاه‌عالیحضرت برسانید و به عرض برسانید‌عالیحضرت اطمینان داشته باشند همان مشکلاتی که امروز ایشان دارند ما هم داریم من آرزو دارم که‌عالیحضرت در مقابل این مشکلات تحمل و شکیبایی بیشتری داشته باشند تا مشکلات بر وفق مراد ایشان و در جهت مصلحت مملکت حل شود. چند روز قبل که نمایندگان‌عالیحضرت ملک حسن با من ملاقات داشتند، به من گفتند در مقابل‌عالیحضرت کوتاه بیا و من صریحاً به آنها گفتم تمام تلاش من برای حفظ مقام سلطنت است و از آنها خواستم که به ملک حسن پیغام مرا بدهند و بگویند ملک حسن به شاهنشاه ما قوت قلب بدهند که در مقابل مشکلات مملکتی استقامت بیشتری داشته باشند و برای آنکه حرفی هم زده باشم گفتم که از‌عالیحضرت بخواهند که در انجام اصلاحات سرعت بیشتری به خرج دهند. یکی از پایگاه‌های مخالفت با رژیم سلطنتی ایران، نجف است که من صد درصد با این پایگاه مخالفم. من برای حفظ مملکت و دیانت و سلطنت فکر می‌کنم. من برای حفظ تاج و تخت و رژیم متکی به قانون اساسی شده‌ام و راه میان‌ه را انتخاب کرده‌ام. این راهی است که هم به نفع‌عالیحضرت است و هم به نفع من و هم به نفع دستجاتی که مسیرشان با من یکی است و مانند من درباره ایران فکر می‌کنند. این راهی که من می‌روم به

به مناسبت سالگرد شهادت سیدمحمدهادی نصرالله، فرزند دبیرکل حزب‌الله لبنان

حتی عرق پیشانی را هم پاک نکرد!

■ رضا طهماسبی ■

داخل مناطق اشغالی منتقل شده است.» مدت زمان زیادی نگذشت که تلویزیون دولتی اسرائیل تصاویر پیکرهای خونین این سه شهید را به نمایش گذاشت؛ و تیسری که به گردنش خورده و لباس نظامی‌اش را خونین کرده بود بیشتر از همه به چشم می‌آمد؛ هر چند اسرائیل هنوز از اینکه فرزند دبیرکل حزب‌الله را به شهادت رسانده مطلع نبود. چندی بعد که اسرائیلی‌ها متوجه شدند چه صید گرانبهایی به دست آورده‌اند، به حزب‌الله پیشنهاد کردند پیکر سیدهادی با اجساد نظامیان اسرائیلی که چند روز قبل در نضار به کشته شده بودند مبادله شود. جواب حزب‌الله و دبیرکلش اما جوابی مورد توقع نبود. مادر هادی- همچون ام‌وهب- اعلام کرد «ما امانتی را که در راه خدا دادیم، پس نخواهیم گرفت.» و پدر داغدار هادی نیز در مراسمی که طی آن لباس رزم و سلاح را به پسر دوشم- جواد- می‌داد، اعلام کرد: «با همه علاقه‌ای که به فرزندم دارم، اعلام می‌کنم آخرین تبدیلی که ما در صهیونیست‌ها انجام خواهیم داد، پیکر سیدهادی خواهد بود.» از این پس، سیل پیام‌های تسلیت بود که برای سیدحسن نصرالله فرستاده می‌شد. حجم فداکاری آنقدر بزرگ بود که بزرگ‌ترین دشمنان حزب‌الله هم نتوانستند از آن چشم‌پوشی کنند و در میان پیام‌های تسلیت، پیام‌هایی از امیر عبدالله- پادشاه آینده عربستان سعودی- و فؤاد سینیوره- از سران جریان مخالف حزب‌الله در لبنان- نیز به چشم می‌خورد. در لبنان هرگز معمول نبود که رهبران احزاب فرزندانشان را به جبهه‌های نبرد بفرستند؛ فرزندان رهبران و شخصیت‌های متنفذ لبنانی یا در دانشگاه‌های غربی مشغول تحصیل بودند و یا در لبنان، برای به ارث بردن مناصب پدر آمده می‌شدند اما رهبر حزب‌الله هرگز مانند همتایانش نبود؛ مدتی بعد از شهادت فرزند ارشدش اعلام کرد: «ما گروهی نیستیم که رهبرانش زندگی مرفه خود را داشته باشند و فرزندان وفادار شما را به میدان نبرد بفرستند؛ به شهادت رسیدن شهید هادی نمونه‌ای

است از اینکه ما رهبران حزب‌الله فرزندان‌مان را برای آینده ذخیره نمی‌کنیم. هنگامی که آنان به میدان نبرد می‌روند به آنها افتخار می‌کنیم و هنگامی که به شهادت می‌رسند، سربلند می‌شویم.» سیدمحمدهادی نصرالله از سال ۱۹۹۴ و در حالی که فقط ۱۵ بهار از عمرش می‌گذشت در عملیات مقاومت اسلامی شرکت می‌کرد و با این حال، هیچ‌یک از هم‌زمانش- جز عده‌ای معدود- از هویت واقعی او و پدرش مطلع نبودند. ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۷، روزی که همراه با دوستانش به جبهه نبرد شتافت، تنها ۶ ماه از جاری شدن عقد محرمیتش با «بتول» نامزد مورد علاقه‌اش می‌گذشت. دختری که هر چند در ابتدای آشنایی از هادی شنیده بود «امکان جانبازش شدن، اسارت یا شهادت من وجود دارد» اما با کمال میل و علاقه ازدواج با هادی را پذیرفته بود. بتول هرگز آخرین جمله‌ای که از هادی شنید را فراموش نمی‌کند: «مراقب خودت باش!» و پس از گفتن این جمله، او را ترک کرد و به سوی عشق دیگرش- جهاد- شتافت و دیگر بازنگشت. شاید چند روز قبل از آن بود که در وصیتنامه‌اش نوشت: «از همه آنان- رزمندگان مقاومت- التماس دعا دارم؛ دعایی خالصانه برای ولی امر مسلمانان، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، و سفارش



در پاسخ سوال خبرنگاران درباره پیشنهاداتم همواره بر بهبود اوضاع تکیه می‌کنم. در پاسخ یکی از خبرنگاران که نظرم را درباره تغییر یا اضافه کردن مواد قانون اساسی پرسید برای آنکه جواب متعادلی بدهم گفتم برای اینکه قانون اساسی را عوض کنند باید مجلسین جلسه مشترکی تشکیل دهند و آن مجلسین صلاحیت این کار را دارند که انتخاب نمایندگان آنها از طرف مردم به طور صحیح انجام شده باشد و چون این دو مجلس نیست می‌دهند، چنانکه نیست، بنابراین موضوع تغییر یا کم و زیاد کردن مواد قانون اساسی منفی می‌باشد. بدین ترتیب موضوع را تعلیق به محال کردم. یا در مصاحبه‌ها اغلب می‌پرسند که نظرم راجع به ۱۹ اصل انقلاب چیست؟ من همواره گفته‌ام که با این ترقیات موافق هستم. حالا اسمش را هرچه می‌خواهند بگذارند ولی اگر به ما می‌گویند مرجع، این درست نیست، زیرا ما با قماربازی، زنا، دزدی، فساد و کمونیست‌ها مخالف هستیم ولی با پیشرفت علم و صنعت مخالفتی نداریم.

از جمله خواسته‌هایی که داشت درباره توجه به وضع قم بود و در این باره گفت: بعد از تهران که به عنوان پایتخت مملکت، یک شهر سیاسی است، قم از نظر مذهبی مورد توجه خارجی‌ها می‌باشد و بعد از نجف مهم‌ترین حوزه علمیه شیعه در دنیاست، بنابراین انتظار داریم که برای این شهر مأموران نامناسب و کم‌شخصیت انتخاب نشوند و افراد صالح و مجرب که قابلیت‌های لازم را دارند گمارده شوند و به وضع شهر و پیشرفت و عمران آن توجه کامل بشود.

با توجه به توضیحاتی که در ابتدای ملاقات پیرامون اوضاع ایران به شریعتمداری داده شد، مشارالیه ضمن بیانات خود در این زمینه گفت: چه خوب است این مسائل را دولت نه یک بار، بلکه چندبار به صورت‌های مختلف برای مردم تشریح بکند. این کمک مؤثری می‌کند در اینکه به مردم نشان داده شود چه خطراتی متوجه آنها و مملکت است. در این حالت مساله جدا کردن و ایجاد نفاق بین مخالفان عملی می‌شود و آن وقت می‌شود آنها را متشکل کرد و علیه خمینی و تحریکات او زمزمه‌های علنی را آغاز نمود. باید به مردم گفته شود که اگر این وضعیت ادامه پیدا می‌کرد، جان و مال و ناموس‌شان در خطر بود. این‌ها باید به‌صورت‌های مختلف از قبیل مقاله در جراید و گفتار در رادیو و تلویزیون باشند. من باز هم تأکید می‌کنم دولت هرچه سریع‌تر ریشه فساد را خشک کند و در کارها قاطع عمل نماید و وضعی به وجود آورد که مردم برخلاف گذشته دولت و اقداماتش را جدی تلقی کنند. آیت‌الله شریعتمداری درخاتمه‌بار دیگر تقاضا کرد سلام او به پیشگاه‌هایونی معروض شود.

منبع: دکتر سیدجلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، دفتر انتشارات اسلامی

نگاهی به اسناد ساواک پیرامون همکاری آیت‌الله شریعتمداری با رژیم پهلوی

ملاقات ۴ ساعته مقدم با آیت‌الله

از خمینی ترسی ندارم اما طرفداران او دیوانه‌هایی هستند که بی‌پروا با اسلحه و نارنجک می‌کشند و خرابکاری می‌کنند. ما درمنزل‌مان هم از آنها تأمین نداریم و باید حق بدهید که برای اینکه بتوانیم باقی بمانیم، باید به طور متعادل عمل کنیم تا مصون از تعرض باشیم و وظایف خود را نسبت به‌عالیحضرت و مردم انجام دهیم.

درباره تأثیر رفتار طرفداران خمینی و کسانی که مخالف خمینی هستند، اظهار کرد: شخصی که شجاعت داشته باشند که در مقابل خمینی و طرفداران او بایستند، تعدادشان کم است. در این چند سال نحوه رفتار طرفداران او به صورتی بوده که اکثر

اگر شرایط صلح ما را نپذیرند به خودمان حق میدهمیم بغداد را محاصره کنیم

کسانی که جهت فکری آنها با من یکی است یعنی با رژیم سلطنتی موافقت، بشدت ترسیداند و تشکلی هم بین آنها وجود ندارد، لذا نگرانند. باید ترتیبی فراهم آید و زمینه‌طوری مساعد گردد که کم‌کم و تدریجی ترس آنها کم بشود و بین آنان تشکلی به‌وجود آید تا بتوانند به طور متحد در مقابل نجف بایستند. این روش میان‌روی من سبب خواهد شد آنها به سمت من رو بیاورند و بتدریج این برنامه را در مسیر ایجاد تشکل و به دست آوردن قدرت بیشتر برای مبارزه علنی پیاده نماییم و این البته برای آینده است، باید برای این تشکل تمام نیروها را جمع کنیم و راه کارآمد را پیدا نماییم.

درباره دولت جدید اظهار کرد: با اقدامات دولت

منهای آنکه در شروع فرمانداری نظامی تعدادی کشته

شدند، کاملاً موافق هستم و باید به مسائلی نظیر توجه

به وضع نان و گوشت و فرهنگ و اجرای برنامه‌های

مذهبی در مدارس که جلوی کمونیسم را می‌گیرد

جدی‌تر رسیدگی و اقدام کرد. برقراری حکومت

نظامی کار بارزش و مفیدی بود و باید باقی بماند.

من صریحاً می‌گویم به عرض‌عالیحضرت برسانید و به نخست‌وزیر هم بگویید که هر چه می‌توانند مدت فرمانداری نظامی را طولانی‌تر نکنند. البته مد روز شده که هر کاری را به دولت نیست می‌دهند، چنانکه سیمای آبادان را متأسفانه افراد عامی زیاد هستند و تحت تأثیر تبلیغات عده‌ای کمونیست قرار می‌گیرند و به هر حال فرمانداری نظامی می‌تواند از تأثیر این تحریکات کم کند.

درباره کسانی که به عنوان نمایندگان حقوق بشر به من‌ترش رفت‌وآمد می‌کنند، گفت: درخانه من باز است، تعدادی از آنها از قدیم با من دوست بوده‌اند و من نمی‌توانم در منزل‌م را به روی مردم ببندم. آنها

مخبرین خارجی را برای مصاحبه با من می‌آورند. البته من تکالیف شرعی خود را می‌دانم. کما اینکه راجع به اعلامیه حقوق بشر نظرم را گفته‌ام عنوان کردم که این اعلامیه ششوی است، زیرا وقتی در دنیا ۵ دولت بزرگ حق وتو دارند، در این صورت چه حقوق بشری باقی می‌ماند. هر قانونی در زمان خودش اعتبار دارد. در اسلام هم بعضی از قوانین بوده که امروز رد شده است. ما به جای حقوق بشر، اسلام را داریم که برابری (حق) تقدم را به دیگری می‌دهد، احسان،

پرهیزکاری و تقوا را توصیه می‌کند.

راجع به علی امینی اظهار داشت: صریحاً می‌گویم که امینی خیلی تلاش می‌کند که توسط دوستان من به من نزدیک شود اما من صریحاً می‌گویم که دنبال این نیست‌م که کسی را برای دولت معرفی کنم، زیرا می‌بینم دولت کار خودش را انجام می‌دهد و خواسته من در این باره این است که دولت در امر مبارزه با فساد و تنبیه کسانی که تبعیضات و ناراحتی ایجاد کرده‌اند زودتر اقدام نماید.

درباره زندانیان ضد امنیتی چنین ابراز عقیده کرد: من معتقد به آزادی همه زندانیان نیست‌م. آنهایی را که اطمینان دارید بعد از آزادی تحریکات نمی‌کنند، آزاد کنید ولی بقیه را نگاه دارید، مخصوصاً کسانی را که اهانت به مقام سلطنت می‌کنند.

در باره مراجعه خبرنگاران و مصاحبه با آنها بیان

داشت: تعداد زیادی خبرنگار به من مراجعه می‌کنند.

جهت صحبت من با آنها تکیه به قانون اساسی است

و در این زمینه پافشاری دارم. در حالی که خمینی

معتقد به رژیم و قانون اساسی نیست.

ضرورت دیپلماسی انقلاب

رهبر حکیم انقلاب اسلامی به مناسبت هفته دولت در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای دولت دوازدهم، با اشاره به ضرورت «حفظ جهت‌گیری و روحیه انقلابی و دینی در دیپلماسی»- به تعبیری اعلام فرمودند بازتعریف الگوی اصیل دیپلماسی ایرانی- اسلامی نیازی اساسی است. در متون تخصصی روابط بین‌الملل و سیاست خارجی می‌توان تعاریف متعددی را برای دیپلماسی سراغ گرفت. سیاست خارجی روشی است که دولت‌ها در برخورد با امور و مسائل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و منافع حیاتی خود اتخاذ می‌کنند؛ از این‌رو دیپلماسی فرآیندی بسیار مهم برای برقراری ارتباط و انجام مذاکرات در نظام بین‌الملل و همچنین ابزاری خاص در اختیار سیاست خارجی هر دولت است که با آن می‌تواند اهداف و منافع ملی و حیاتی خود را پیش ببرد. در حقیقت دیپلماسی، یک جنگ است، مانند جنگ‌های نظامی و اقتصادی که تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها و شیوه‌های مختلفی دارد. پس از گذار از دوران دیپلماسی سنتی وارد رویکرد جدیدی با عنوان دیپلماسی نوین می‌شویم که در آن فن مدیریت روابط کشورها با یکدیگر و میان کشورها با دیگر بازیگران بین‌المللی با ابزارهای مکمل مانند اقتدار نظامی و رسانه‌ای، بازیگر بین‌المللی را قادر می‌کند به اهداف خود

در ۲ حوزه «کلان» و «خرد» برسد.

رهبر معظم انقلاب در مقابل مفاهیم غربی دیپلماسی به ۴ نظریه: ۱- «مانور هتمنانه و قهرمانانه»، ۲- «برخورد مبتکرانه»،

۳- «عزت، حکمت و مصلحت» و

۴- «دیپلماسی انقلابی» اشاره کرده‌اند.

مانور هنرمندانه و قهرمانانه معنای واضحی دارد که نمونه آن در مسابقه کشتی نمایان است. معظم‌له در تعریف دیپلماسی فعال و دیپلماسی می‌فرمایند: «عرصه دیپلماسی، عرصه شیطنت است؛ یک چنین عرصه‌ای است؛ هوشمندی لازم است، ابتکار عمل لازم است، نوع برخورد مبتکرانه لازم است؛ اینها ناشی از همین روحیه انقلابی‌ای است که ما از آن تعبیر می‌کنیم به روحیه بسیجی، روحیه جوان، مبتکر، پیشرو، دارای اعتمادبه‌نفس. دیپلماسی ما باید با روحیه انقلابی همراه باشد و می‌توان با صراحت، مبانی خود و اصول خود را گفت و پیش هم رفت. در همه‌جا باید در دیپلماسی موضع فعال داشته باشیم. انسان بویژه در مسائل شبیه مسائل منطقه، خیلی لازم است با دقت و هوشیاری و قدرت فعل، فعال بودن و اثرگذار بودن، وارد میدان عمل انقلابی همراه با تشکیلاتی منطقی و دقیق و حساب‌شده، قابل جمع نیست. ما مشاهده می‌کنیم که اینها می‌تواند با هم جمع شود، انقلابی‌گری به این نیست که ما آنجایی که نباید پرخاش کنیم، می‌خودی پرخاشی کنیم، انقلابی‌گری به این است که ما مواضع اسلامی و انقلابی را قاطعانه و بدون رودریاستی و موعوب شدن و خام شدن مقابل برخی چهره‌های امیدبخش کاذب، حفظ کنیم. البته این مانور هنرمندانه نباید به معنای عبور از خطوط قرمز یا برگشتن از راهبردهای اساسی یا عدم توجه به آرمان‌ها باشد؛ اینها را باید رعایت کرد.

رهبر حکیم انقلاب با اشاره به عزت و حکمت و مصلحت که یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی است، تأکید می‌کنند: «حکمت این است که شما بتوانید مواضع طرف مقابل را حکیمانه به مواضع خودتان نزدیک کنید؛ اینها را تضاد با هم نیستند. حکمت و عزت و مصلحت مکمل هستند؛ باید در جهت مصالح ملی باشند و در درجه اول باید با حفظ عزت ملی و عزت هویتی همراه باشند. حکمت یعنی با منطق، و متین در عرصه دیپلماسی وارد شدن.»

نگارنده درصدد نادیده گرفتن زحمات دولت و رئیس‌جمهور محترم در حوزه سیاست خارجی نیست، لیکن خواستار اتخاذ هوشمندی انقلابی گرایانه و تک‌صدایی در شرایطی است که دشمنان مشغول توطئه علیه توفیقات ایران اسلامی در منطقه غرب آسیا و در حال بازمهندسی با راهبرد آمریکا هستند، زیرا رسانه پل میان دولتمردان و افکار عمومی است و از سوی دیگر، محققان علوم سیاسی و مطالعات بین‌الملل نیز در قالب موضوعاتی چون دیپلماسی رسانه، پروپاگاندا و جنگ نرم به نقش رسانه در شکل‌دهی قدرت نرم ملل و مکاتب اشاره کرده‌اند. با این حال، بررسی موضوع از یکسو از نبود تبیین جامع‌نگر و عملیاتی در نقش رسانه در مدیریت هوشمندانه امور داخلی کشورها و از سوی دیگر از تعلل‌ات روابط بین‌الملل حکایت دارد. این موضوع در عصر جهانی شدن و در کشوری چون ایران که چندین دهه با هجمه نرم و سخت عوامل داخلی و خارجی مواجه بوده است، بیش از پیش اهمیت می‌یابد.